

The Semantics of the Word *Qonout* in the Qur'an Based on the Relations of Collocation and Succession

Received: 01/12/2022

Accepted: 16/02/2023

Zahra Taherzadeh¹

Habibollah Halimi Jelodar²

Fatemeh Abazarpour³



Abstract

Semantics is a science that deals with the scientific study of meanings in order to achieve a complete meaning by comprehensively examining the word and its relationships in the sentence. One of the most important ways in semantics that has attracted the attention of researchers is to rely on collocations and succession relations, because through the semantic network by following the words in the context of the verses, you can get the exact meaning of the word. The main objective of this study is the semantics of the word *Qonout* in the verses of the Qur'an with regard to the words of collocations and succession. The data of this research has been collected in a library method and in a descriptive-analytical way. The word *Qonout* is the key word of this research, first its lexical meaning was extracted, and then all the uses of this word along with collocations and succession

1. Level 4 student of comparative interpretation of the Qur'an at Hazrat Khadija High School, Babol, Iran. (Corresponding Author). zahrataherzadeh@yahoo.com.

2. Associate Professor, Faculty of Theology and Islamic Studies, Mazandaran University, Babolsar, Iran. jloudar@umz.ac.ir.

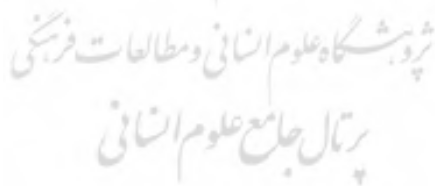
3. Level 4 student of comparative interpretation of the Qur'an at Hazrat Khadija High School, Babol, Iran. g.abazarpour@chmail.ir.

* Taherzadeh, Z., & Halimi Jelodar, H., & Abazarpour, F. (1401 AP). The Semantics of the Word *Qonout* in the Qur'an Based on the Relations of Collocation and Succession. *Journal of Islamic Knowledge Management*, 4(8). pp. 111-141. DOI:10.22081/JIKM.2023.65385.1082.

words and the type of its connection in the Quran were examined. The result of the examination suggested that "Qonout" has various meanings in the word, such as humility, submission, worship, humiliation, prayer, supplication in prayer, resurrection, silence, etc. This word is used in the Qur'an with the sense of submissive and obedient. The words associated with Qonout in the Qur'an include *Allah*, *Rasul*, *Hizf* and *Iman*. Its association with the first two words indicates constant following, and with the third word, it indicates doing the action by fulfilling the conditions, and its association with the word *Iman* is necessary in case of the existence of heart belief. In the area of succession, submission is one of its basic elements and has a general and special relationship with worship and obedience. In addition, "Qunut" has a necessary and essential relationship with the words *Ilm*, *Khodzou'* and *Khoshou'*, which cannot be realized without them.

Keywords

Semantics, Qonout, The Holy Qur'an, Obedience, succession relation, collocation relation.



معنى مفردة (القنوت) في القرآن الكريم اعتماداً على علاقات التجاور والاستبدال

زهرا طاهرزاده^١ حبيب الله حلّيمي جلودار^٢ فاطمة أبازرپور^٣

تاريخ الاستلام: ٠١ / ١٢ / ٢٠٢٢ تاريخ القبول: ١٦ / ٠٢ / ٢٠٢٣

الخلاصة

علم المعاني هو العلم الذي يتولّى الدراسة العلمية للمعاني، ويهدف إلى الوصول إلى كامل معنى المفردة من خلال دراستها من جميع النواحي وما يربطها من العلاقات داخل الجملة. وأحد أهم الأساليب التي حظيت باهتمام الباحثين في علم المعاني هو اعتمادهم على علاقات المجاورة والاستبدال، حيث يمكن من خلال شبكة المعاني الحاصلة من تتبع المفردات في سياق الآيات أن يصل الباحث إلى المعنى الدقيق للمفردة. والهدف الأصلي من هذا البحث هو بيان معنى مفردة (القنوت) في الآيات القرآنية عن طريق ملاحظة الكلمات المرافقة لها والمعوضة عنها. ومعطيات هذا التحقيق هي نتاج اتباع المنهج المكتبي والأسلوب الوصفي التحليلي. ومفردة (القنوت) هي المفردة المحورية في هذا التحقيق حيث تمّ في البداية استخراج معناها اللغوي، ثمّ بيان جميع استعمالات هذه المفردة، مع البحث عن الألفاظ المجاورة لها وتلك التي ترد بدلاً لها، مع بيان



١. طالبة السطح الرابع في التفسير المقارن في مؤسّسة السيّدة خديجة عليها السلام للتعليم العالي، بابل، إيران (الكاتبة المسؤولة).
zahrataherzadeh@yahoo.com

٢. أستاذ مساعد في كليّة الإلهيات والمعارف الإسلامية في جامعة مازندران، بابل، إيران.
jloudar@umz.ac.ir

٣. طالبة السطح الرابع في التفسير المقارن في مؤسّسة السيّدة خديجة عليها السلام للتعليم العالي، بابل، إيران.
g.abazarpour@chmail.ir

* طاهرزاده، زهرا؛ حلّيمي جلودار، حبيب الله وأبازرپور، فاطمة. (٢٠٢٢). معنى مفردة (القنوت) في القرآن الكريم اعتماداً على علاقات التجاور والاستبدال. مجلة إدارة العلم الإسلامي (نصف سنوية علمية - محكمة)، ٤ (٨)، صص ١١١-١٤١.
DOI: 10.22081 / JIKM. 2023. 65385. 1082

نوعيّة العلاقات في ما بينها في القرآن. ومن خلال التحقيق الذي تمّ إجراؤه تمّ الوصول إلى نتيجة مفادها أنّ (القنوت) ترد في اللغة بمعانٍ عديدة مثل الخشوع، الخضوع، العبادة، التذلل، الصلاة، الدعاء في الصلاة، القيام، السكوت وما شابه ذلك. وقد جاءت في استعمالها القرآني بمعنى الخضوع والطاعة. أمّا الكلمات التي تأتي إلى جانب (القنوت) في القرآن فهي: الله، الرسول، الحفظ والإيمان. وإذا أتت مجاورةً للكلمتين الأولىين فهي بمعنى الاتّباع الدائم، أمّا مع الكلمة الثالثة فهي تعطي معنى أداء العمل مع تحقّق كافة شروطه، في حين أنّ ورودها مع (الإيمان) يعطيها معنى لزوم وجود الإيمان القلبي. أمّا في محور التعويض فإنّ التسليم هو أحد أركانه الأساسية، والكلمة ارتباط عامّ وخاصّ مع العبادة والإطاعة. وأخيراً فإنّ للقنوت علاقة اللزوم والملزوم مع مفردات العلم والخضوع والخشوع، ولا يتحقّق إلاّ معها.

المفردات الأساسية

علم المعاني، القنوت، القرآن الكريم، علاقة الاستبدال، علاقة التجاور.



معناشناسی واژه قنوت در قرآن کریم با تکیه بر روابط هم‌نشینی و جاننشینی

زهرا طاهرزاده^۱ حبیب‌الله حلیمی جلودار^۲ فاطمه ابادرپور^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۷

چکیده



معناشناسی دانشی است که به مطالعه علمی معانی می‌پردازد تا با بررسی همه‌جانبه واژه و روابط آن در جمله، به معنای کاملی دست یابد. یکی از مهم‌ترین راه‌هایی که در علم معناشناسی مورد توجه پژوهشگران واقع شده است تکیه بر روابط هم‌نشینی و جاننشینی است زیرا از طریق شبکه معنایی با تتبع واژه‌های در سیاق آیات می‌توان به معنای دقیقی از واژه دست یافت. رسالت اصلی این پژوهش معناشناسی واژه قنوت در آیات قرآن با توجه به کلمات هم‌نشین و جانشین است. داده‌های این تحقیق به روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی می‌باشد. واژه قنوت واژه کلیدی این پژوهش است که ابتدا معنای لغوی آن استخراج، سپس تمام کاربردهای این واژه به همراه الفاظ جانشین و هم‌نشین و نوع ارتباط آن در قرآن بررسی گردید. با بررسی انجام گرفته این نتیجه حاصل شد که «قنوت» در لغت به معنای مختلفی چون خشوع، خضوع، عبادت، ذلیل و خوارشدن، صلوة، دعای در نماز، قیام، سکوت و... آمده است. این واژه در قرآن در معنای خاضع و مطیع به کار رفته

۱. طلبه سطح ۴ تفسیر تطبیقی موسسه عالی حوزوی حضرت خدیجه علیها السلام، بابل، ایران. (نویسنده مسئول).
 zahrataherzadeh@yahoo.com

۲. دانشیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مازندران، بابل، ایران.
 jlouidar@umz.ac.ir

۳. طلبه سطح ۴ تفسیر تطبیقی موسسه عالی حوزوی حضرت خدیجه علیها السلام، بابل، ایران.
 g.abazarpour@chmail.ir

* طاهرزاده، زهرا؛ حلیمی جلودار، حبیب‌الله؛ ابادرپور، فاطمه. (۱۴۰۱). معناشناسی واژه قنوت در قرآن کریم با تکیه بر روابط هم‌نشینی و جاننشینی. دوفصلنامه علمی - ترویجی مدیریت دانش اسلامی، ۴(۸). صص ۱۱۱-۱۴۱.

DOI:10.22081/JIKM.2023.65385.1082

است. کلمات هم‌نشین «قنوت» در قرآن شامل: الله، رسول، حفظ و ایمان است. هم‌نشینی آن با دو لفظ اول، دال بر پیروی دائمی بوده و با لفظ سوم بیانگر انجام دادن عمل با تحقق شرایط و هم‌نشینی آن با ایمان نیز در لزوم وجود باور قلبی است. در محور جانشینی، تسلیم از ارکان اساسی آن است و با عبادت و اطاعت رابطه عام و خاص دارد. همچنین «قنوت» با واژه‌های علم، خضوع و خشوع رابطه‌ای لازم و ملزومی دارد که بدون آنها تحقق نمی‌یابد.

کلیدواژه‌ها

معناشناسی، قنوت، قرآن کریم، اطاعت، رابطه جانشینی، رابطه هم‌نشینی.



مقدمه

یکی از کارآمدترین روش‌های فهم متن قرآن مجید، معناشناسی^۱ است. اندیشمندان در تعریف معناشناسی دیدگاه‌های متفاوتی دارند. معناشناسی علم تحقیق در ماهیت و ساخت جهان‌بینی یک ملت در دوره خاص از تاریخ است که به وسیله تحلیل روش‌شناسی مفاهیم و تصورات فرهنگی عمده‌ای که آن ملت برای خود فراهم آورده است و در کلمات کلیدی زبان آن ملت حالت تبلور پیدا کرده، صورت می‌گیرد (ایزوتسو^۲، ۱۳۶۱، ص ۴) بر پایه نظر ایزوتسو، عبارت معناشناسی قرآنی به معنی «جهان‌بینی قرآن»؛ یعنی نحوه نگرش قرآن نسبت به جهان است.

از کلمات به کار رفته در قرآن واژه «قنوت» به معنای اطاعت همراه با خضوع است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۶۸۴) رویکرد معناشناسانه این واژه در قرآن کریم با توجه به شناخت کلمات هم‌نشین و جانشین می‌تواند انسجام و پیوستگی معارف قرآن را روشن‌تر سازد و همچنین موجب شناخته شدن معارف نهفته در باطن آیات الهی از طریق بررسی کلمات جانشین و هم‌نشین می‌شود. واژه قنوت از کلماتی است که مفهوم آن در فرهنگ عامه مردم با اصطلاح قرآنی تفاوت دارد. در این میان بهترین راه، رجوع به آیات الهی و روایات اهل‌البیت علیهم‌السلام است چرا که از این طریق انسان به بهترین شناخت معنایی هدایت می‌گردد.

معناشناسی واژه‌های قرآن در پژوهش‌های قرآنی قدمت چندانی ندارد. در این حوزه تحقیقاتی صورت پذیرفته از جمله می‌توان به کتاب مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید اثر ایزوتسو اشاره نمود. همچنین مفسران در آیاتی که واژه قنوت در آن آمده است به معنای لغوی و اصطلاحی و تفسیری این واژه اشاراتی داشته‌اند؛ اما معناشناسی واژه قنوت تا کنون به صورت مستقل نگرفته است؛ اگرچه پژوهش‌هایی در زمینه کلمات مشابه معنایی «قنوت» وجود دارد از جمله: پایان‌نامه معنی‌شناسی واژه اطاعت در

1. Semantic.

2. izutsu.

قرآن با تکیه بر نظریه حوزه‌های معنایی از اعظم مرادی است. نویسنده در آن پس از بیان معنای اطاعت، کاربرد این واژه در قرآن را مورد بررسی قرار داده و از واژه‌های جانشین آن به اطاعت، تبعیت، ولایت، عبادت، خشیت، استجابت، قنوت، تواضع و اقتداء نام برده است. از آثار و نتایج مهم پژوهش فوق فقط می‌توان به آشکارشدن پیوند معنایی عمیق؛ میان «اطاعت» با سایر واژه‌های هم‌نشین، و هم حوزه آن در قرآن اشاره نمود.

مهری رحیمی در پایان‌نامه بررسی تطبیقی تمکین و نشوز در فقه و حقوق موضوعه ضمن بیان حقوق زوجین، تمکین و اطاعت را از جمله وظایف زوجه نسبت به زوج در محیط خانواده دانسته است. ایشان در بخشی از این پایان‌نامه به مصادیق اطاعت زنان نسبت به همسرشان پرداخته‌اند. با توجه به عدم انسجام و پراکندگی مباحث موجود، هدف این پژوهش تبیین واژه قنوت در قرآن کریم با تکیه بر روابط هم‌نشینی و جانشینی است. این نوشتار درصدد پاسخگویی به این پرسش‌ها است که ۱. معنای لغوی واژه قنوت از منظر لغت‌شناسان چیست؟ و ۲. واژه قنوت در ساختار قرآن کریم با چه واژگانی هم‌نشین و جانشین است؟

در پژوهش حاضر با استفاده از روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی-تحلیلی و جستجو در کتب و نرم‌افزارهای مرتبط، به بررسی لغت‌شناسی این واژه پرداخته و تلاش می‌شود رابطه میان این واژه و واژه‌های هم‌نشین و جانشین آن در قرآن کریم با استفاده از روش معناشناسی بررسی گردد.

۱. مفهوم‌شناسی

مباحث این نوشتار، در مورد معناشناسی واژه قنوت می‌باشد، ضروری است جهت دستیابی به ژرفای معنایی و کاربرد واژه قنوت، در طلیعه بحث، واژه‌های کلیدی این پژوهش در لغت و اصطلاح تبیین گردد و سپس به تحلیل مفهوم آن در نظام معنایی قرآن کریم پرداخته شود.

۱-۱. قنوت در لغت

لغت‌شناسان و فرهنگ‌نامه‌نویسان برای واژه «قنوت» معانی متعددی را ذکر کرده‌اند. واژه «قنوت» مصدری از ریشه «قت، یقت، قنوتا» است. این کلمه در اصل به معنای اطاعت (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۱۲۹) بوده و سپس به هر نوع استقامت در راه دین، قنوت گفته شده است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۳۱). بعضی از اهل لغت نیز این واژه را به معنای اطاعت همراه با خضوع آورده‌اند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۸۴).

حقیقت «قنوت» عبادت و دعا کردن برای خداوند در حالت قیام است (حسینی‌زیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۱۱۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۷۴). و کلمه «قانت» که جمع آن «قانت» است به کسی گفته می‌شود که همواره به عبادت و نیایش مشغول باشد (ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۶، ص ۳۳۸). «قنوت» همچنین به معنای خودداری از صحبت کردن، فرمان‌برداری، تذلل، تواضع، سکوت، صلوة هم آمده است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۹، ص ۳۵۸). از جمله معانی دیگری که برای قنوت آمده است می‌توان به: دعا، خشوع، قیام‌نمودن به اطاعت الهی به گونه‌ای که معصیت در آن نباشد اشاره نمود. بسیاری از لغت‌شناسان «قنوت» را در مقابل «نشوز» آورده‌اند که این حیث از تقابل، نشان از آن دارد که مفهوم اطاعت و خضوع در آیین معنای «قنوت» جلوه خاصی دارد. اکثر لغت‌شناسان «قنوت» را به معنای اطاعت آورده‌اند و معانی دیگر مانند: «خشوع، خضوع، عبادت، ذلیل و خوار شدن، صلوة، دعای در نماز، قیام، سکوت و...» را از مصادیق این معنای اصلی دانسته‌اند.

۲-۱. «قنوت» در اصطلاح

واژه «قنوت» دارای معنای اصطلاحی در چندین حوزه از جمله تفسیر قرآن، فقه و... است.

۱-۲-۱. قنوت در اصطلاح مفسران

این واژه در کلام الهی به معنای خاضع و مطیع و همچنین قیام به عبادت الهی است که به زیباترین شکل در قرآن بیان شده است. در اصطلاح قرآنی «قنوت» به معنای

طاعت و پرستش همراه با خضوع و فروتنی آمده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۶۸۴).
 بعضی از اهل نظر با توجه به مفهوم اصطلاحی واژه «قنوت» در آیه «یا مریم اقْنُتِی
 لِرَبِّکِ...» (آل عمران، ۳۴) و آیه «وَمَنْ یَقْنُتْ مِنْکُمْ» (احزاب، ۳۱) آن را به معنای قیام بر
 اطاعت الهی آورده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۳، ج ۱۹، ص ۳۹۳).

علامه طباطبائی در توصیف «قانتون» در آیه «... کُلُّ لَه قَانِتُونَ» (بقره، ۱۱۶) می‌نویسد:
 این کلمه اسم فاعل از مصدر قنوت و به معنای تذلل و عبادت است و با استناد به قرینه
 سیاق قنوت را تکوینی دانسته است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۲۵۵).

قنوت یا تشریحی (یعنی دستوری از طرف شارع) است؛ نظیر «... و قوموا لله قانتین؛ از
 روی خضوع و اطاعت، برای خدا بپاخیزید!» (بقره، ۲۳۸) و «یا مریم اقتصی لربک
 واسجدی...؛ ای مریم! (به شکرانه این نعمت) برای پروردگار خود، خضوع کن و
 سجده بجا آور!» یا «تکوینی» (یعنی توسط خداوند در متن خلقت و طبیعت، نهادینه
 شده است)؛ نظیر «و له من فی السموات والأرض کل له قانتون؛ و از آن اوست تمام
 کسانی که در آسمان‌ها و زمین‌اند و همگی در برابر او خاضع و مطیع‌اند!» (روم، ۲۶) که
 درباره همه آنچه در آسمان‌ها و زمین است و همه موجودات را در برابر خدا خاضع و
 فرمانبردار می‌داند (جوادی آملی، بی‌تا، ج ۶، صص ۲۹۲-۲۹۱).

اصل در کلمه «قانتین» همان بجا آوردن دعا و عبادات دیگر است در حال قیام و
 ممکن است به عبادات دیگر نیز اطلاق شود اگر چه در آن قیام نباشد ولی چون معنای
 قیام به عبادت در آن صادق است به این مناسبت به آن اطلاق شده باشد (طبرسی، ۱۳۷۷،
 ج ۳، ص ۵۸).

در آیه «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَیْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ» (نساء، ۳۴) کلمه قنوت به
 معنای دوام اطاعت و خضوع است و از اینکه در مقابل این گونه بانوان، زنان ناشزه قرار
 دارند، مراد از صالحات نیز همسران صالح است و در واقع حکم مربوط به شئون
 زوجیت و کیفیت معاشرت منزلی است بنابراین بر زن واجب است که از همسر اطلاعات
 کند البته این به معنای سلب آزادی از زن نیست (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۴۴).

همچنین ایشان قنوت زن را نوعی خضوع و تعهد در محیط خانواده می‌دانند و عقیده

دارند «زنان قانت» کسانی هستند که خاضع و متعهد در برابر نظام خانواده‌اند و نه تنها در حضور شوهر بلکه در غیاب او، «حفظ الغیب» می‌کنند، یعنی مرتکب خیانت چه در مال و چه در ناموس و چه در حفظ شخصیت شوهر و اسرار خانواده در غیاب او، نمی‌شوند و در برابر حقوقی که خداوند برای آنها قائل شد با جمله «بِمَا حَفِظَ اللَّهُ» وظائف و مسئولیت‌های خود را به‌خوبی انجام می‌دهند.

برخی نیز «قنوت» را به معنای فرمان‌برداری از سرِ اراده و توجّه و رغبت و محبت می‌دانند؛ و علت عدم تعبیر طائعات به جای قانتات را در آیه ۳۴ سوره نساء، بار روانی این واژه دانسته‌اند که دلالت بر آرامش، سکون و روحیه مودت در بین زن و مرد می‌کند که در حکم دو نیمه یک روح هستند (سید بن قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۶۴۸).
از مجموع آیاتی که دربارهٔ واژه «قنوت» وارد شد به دست می‌آید که قرآن کریم همهٔ موجودات و پدیده‌های نظام هستی را اهل قنوت می‌داند که به معنای خاضع و مطیع بودن آنها است.

۱-۲-۲. قنوت در اصطلاح فقه

«قنوت» در اصطلاح «فقه» به معنی دعا کردن در برابر خداوند در موضع خاصی در نماز است. (شریفی اشکوری، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۵۸۱) خواندن دعا به شیوه‌ای خاص پس از حمد و سوره در نمازهای واجب و مستحبی است (مشکینی، ۱۴۲۸ق، ص ۴۳۱). از پیامبر ﷺ پرسیدند: «ای الصلاة افضل؟ قال: طول القنوت؛» کدام نماز برتر است؟ فرمودند: نمازی که قنوت آن طولانی باشد» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۷۴).

واژه «قانتین» در آیه «...وَقَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» (بقره، ۲۳۸) از امام باقر و امام صادق علیهما السلام به قنوت در نماز تعبیر شده است (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۳۲). امام صادق علیه السلام قنوت را به عنوان تکمیل‌کنندهٔ نماز بیان کرده است و می‌فرماید: «کسی که قنوت نماز را عمداً ترک کند نمازش، نماز کاملی نیست» (جوادی آملی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۱۳).

طبرسی در آیه شریفه «مَوَيْمَ ابْنَتِ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَتْ فَرْجَهَا فَنَفَحْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَانِتِينَ» (خداوند به) مریم دختر عمران (نیز مثل

زده است) زنی که دامن خویش را (از گناه) حفظ کرد، پس ما از روح خود در او دمیدیم (تا عیسی در دامن او متولد شد) و کلمات پروردگارش و کتب آسمانی را تصدیق کرد و از اطاعت پیشه گان بود» (تحریم، ۱۲) احتمال داده که مراد از قنوت همان قنوت در نماز باشد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۴۷۸).

«حَافِظُوا عَلَی الصَّلَوَاتِ ... یعنی در وقت نماز مداومت بر آن داشته به اینکه ارکان نماز را بجا آورید و منظور از «... وَ قَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» برای خدا در هنگام نماز در حالی که دعا کننده اید قیام نمایید (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۶۸).

۲. میدان معنایی قنوت بر محور هم‌نشینی و جانشینی

برای شناخت میدان معنایی «قنوت» بررسی روابط هم‌نشینی و جانشینی به تحلیل معنایی واژه قنوت در بافت زبانی قرآن کریم پرداخته می‌شود تا با تحلیل این روابط، به معنای درست این واژه دست یافت. هر متن از واژه‌ها و عباراتی تشکیل شده که ساختار آنرا به وجود آورده، همه آنها در یک شبکه معنایی حرکت می‌کنند؛ وحدت و انسجام آنها نیز بر اثر تناسب درونی بین اجزا به وجود می‌آید که می‌توان آنرا در دو محور جانشینی و هم‌نشینی بررسی کرد، پس انواع روابط ساختاری در جمله بر دو نوع است: رابطه هم‌نشینی و رابطه جانشینی. صورت ساده این دو اصطلاح چنین است: اگر واحدها به جای هم قرار گیرند روی محور جانشینی و اگر کنار هم قرار گیرند روی محور هم‌نشینی هستند، این دو مانند تار و پودی هستند که ساخت و بافت کلام را در حوزه معنایی خاص به وجود آورده‌اند (احمدی، ۱۳۸۰، ص ۲۰). در ادامه ابتدا واژه‌های هم‌نشینی «قنوت» مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس به واژه‌های جانشینی پرداخته می‌شود.

۱-۲. واژه‌های هم‌نشینی قنوت

رابطه هم‌نشینی، یعنی رابطه‌ای که بر اساس آن عناصر زبانی کنار هم قرار می‌گیرند و زنجیره‌ها و سازه‌های بزرگتر را به وجود می‌آورند در این صورت رابطه هم‌نشینی میان واحدها، در جمله ایجاد می‌شود که همگی مستقیماً در یک ساخت (جمله) حضور

دارد. محورهم‌نشینی، بر قواعد ساختاری زبان استوار است که بخش محوری دستور و تجلی قواعد دستوری قلمداد می‌گردد. اختلال در روابط هم‌نشینی موجود میان واحدهای هر ساخت سبب می‌شود که ساخت جمله ناسازگردد (صفوی، ۱۳۸۷، صص ۱۸۹-۱۹۰). هم‌نشینی‌های واژه قنوت الفاضلی هستند که با آمدن در کنار این واژه، ابعاد روشن‌تری از آن را ارائه می‌دهند و معنای آن را تکمیل می‌نمایند. در قرآن این واژه با کلمات ذیل هم‌نشینی است:

۲-۱-۱. هم‌نشینی «قنوت» با «الله» و «رسول»

ماده «قنوت» در قرآن کریم سیزده بار آمده است که در چهار مورد هم‌نشینی با «الله»، و در دو مورد هم‌نشینی با «رسول» قرار گرفته است. «قنوت» چنانکه ذکر شد، به معنای ملازمت و اطاعت توأم با خضوع است، اطاعتی که از ایمان و اعتقاد سرچشمه می‌گیرد. در سوره نحل خداوند در مورد حضرت ابراهیم علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَ لَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛ «به‌راستی ابراهیم (به‌تنهایی) امتی فروتن برای خداوند و درست‌آیین بود و از مشرکان نبود» (نحل، ۱۲۰).

«قنوت» در آیه به عنوان صفت و یا خبر واقع شده و در کانون سه واژه «الله»، «حنیف» و «امه» از واژه‌های کلیدی قرار دارد. کاربرد این اوصاف برای حضرت ابراهیم علیه السلام دلالت بر اطاعت حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند می‌کند، و هم‌نشینی قنوت با الله در آیه اشاره بر دوام اطاعت همراه با خضوع و خشوع در برابر خدای سبحان دارد. واژه «قنوت» در آیه «وَ مَنْ يَقْنُتْ مِنْكُمْ لِلَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تَعَمَلْ صَالِحًا؛ (احزاب، ۳۱) به معنای ملازمت اطاعت و خضوع برای خدا و رسول است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۶، ص ۴۶۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۶۳، ج ۱۷، ص ۲۷۵؛ سیدبن قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۵، ص ۲۸۵۷) برخی نیز آن را «به معنای دوام اطاعت برای خدا و رسول آورده، و منظور از قنوت در برابر پیامبر را قناعت و حُسن معاشرت با ایشان می‌دانند» (بیضای، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۲۳۱) قنوت برای خدا به معنای طاعت، و قنوت برای رسول به معنای دوام بر طاعت و به دست آوردن رضایت او است چون کسی که رضایت پیامبر را به دست آورد در حقیقت رضایت خدا را به دست

آورده است» (ابن عاشور، بی تا، ج ۲۱، ص ۲۳۸) بنابراین منظور از قنوت، اطاعت و فرمان‌برداری توأم با خضوع و خشوع از خداوند، و گردن نهادن به دستورها و قوانینی است که تشریح کرده است. خدای سبحان از این دستور که مردم در برابر او مطیع باشند منظوری جز این ندارد که ما او را در آنچه از طریق پیامبرش وحی کرده است اطاعت کنیم و معارف و شرایعش را به کار ببندیم و از جمله دستورهای الهی فرمان به اطاعت از رسول می‌باشد. در نتیجه مراد از اطاعت رسول، انقیاد و پیروی از دستورهای الهی است که ایشان به حسب ولایتی که از جانب خدا بر امت دارد صادر می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۰۵).

۲-۱-۲. هم‌نشینی «قنوت» با «حفظ»

یکی از هم‌نشینان این واژه، «حفظ» به معنای نگهداری است و کاربرد آن در موارد مختلف متفاوت است؛ گفته می‌شود که مال را از تلف، امانت را از خیانت و نماز را از فوت شدن، حفظ کرد (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۲۷۲). حفظ گاهی به حالتی از جان و نفس گفته می‌شود که در آن، فهم و درک با آرامش به نفس و جان می‌رسد و ثابت می‌ماند. گاهی نیز در معنی قدرت خودداری و ضبط نفس است، نقطهٔ مقابلش، نسیان و فراموشی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۴۴).

به عنوان مثال منظور از حفظ در آیه «حَافِظُوا عَلَی الصَّلَاةِ وَ الصَّلَاةِ الْوَسْطَى وَ قُومُوا لِلَّهِ قَنَّتِینَ» (بقره، ۲۳۸) اینکه خدای سبحان امر به محافظت بر نمازها فرموده است به معنای حفظ آن در وقتش همراه با انجام دادن حدود و شرایع آن می‌باشد. از پیامبر ﷺ روایت شده است که کدام نماز افضل است فرمودند: «الصلاة فی وقتها» (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۸۸) و عبارت «و قُومُوا لِلَّهِ قَنَّتِینَ» عبارت است از نماز صبح (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۴۸۸).

علامه طباطبایی «حفظ» را به معنای ضبط هر چیز دانسته و می‌گوید این واژه بیشتر در مورد حفظ معانی در نفس استعمال می‌شود؛ ایشان منظور از «صلوة وسطی» را نمازی که در وسط نمازها قرار می‌گیرد بیان کرده چون از کلام خداوند نماز خاصی استفاده نمی‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۴۶). در رابطه با لام در انتهای آیه «و قُومُوا لِلَّهِ قَنَّتِینَ» را لام غایت و قیام کردن به هر امری کنایه از اشتغال به انجام آن است و کلمه قنوت در

آیه به معنای خضوع در اطاعت است؛ در نتیجه حاصل آیه این است که شما مردم باید متصف به اطاعت از خدا و خضوع و خلوص برای او بشوید (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۴۶). اینکه خداوند امر می‌کند «حَافِظُوا عَلَی الصَّلَوَاتِ» یعنی داوموا علی صلوات و حفظ کردن نماز یعنی بجا آوردن آن بر وجهی که در شریعت بیان شده است در حالی که تمام توجه انسان به راز و نیاز و مناجاه با خدا باشد و هنگامی که انسان اینگونه نماز را بر پا دارد موجب می‌شود انسان از فحشا و منکر دوری نماید و نفس انسان از شرور دور می‌شود (مراغی، بی تا، ج ۲، ص ۲۰۱). منظور از قیام به قنوت برای خدا در انتهای آیه یعنی قیام کنید در حالی که خشوع دارید و متوجه عظمت و هیبت الهی هستید به دلیل اینکه نماز کامل نمی‌شود مگر اینکه انسان در آن از هر فکری و عملی که مانع حضور قلب او می‌شود فارغ گردد (مراغی، بی تا، ج ۲، ص ۲۰۱).

از هم‌نشینی واژه‌های «حفظ»، «قیام» و «قنوت» به دست می‌آید که مداومت بر نمازهای پنج‌گانه با رعایت تمام ارکان و واجبات آن همراه با حضور قلب و توجه به عظمت الهی و رعایت آداب ظاهری و باطنی در نماز در حقیقت قیام برای خدا و اطاعت همراه با خضوع و خشوع در برابر اوست.

۲-۱-۳. هم‌نشینی «قنوت» با «ایمان»

یکی دیگر از واژگانی که با ماده «قنوت» بر محور هم‌نشینی رابطه دارد، واژه «ایمان» است. «ایمان از ریشه «امن» است که اصل آن طمأنینه نفس و زایل شدن ترس است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۹۰) هم‌چنین به معنی ایمنی، آرامش قلب آمده است (قرشی، ۱۳۱۷، ج ۱، ص ۱۲۳). این واژه در آیه ۳۵ احزاب و آیه ۵ تحریم با «قنوت» هم‌نشین شده است. این هم‌نشینی بُعد دیگری از ابعاد «قنوت» را روشن می‌کند و آن اینکه قنوت و اطاعت همراه با خضوع از خداوند زمانی تحقق‌پذیر است که مبتنی بر باور قلبی و ایمان به خدای سبحان باشد. مراد از ایمان همان توحید نظری یعنی ایمان و باور قلبی به توحید و یگانگی خداوند در ربوبیت، مولویت، الوهیت و ایمان به بندگی در برابر رب‌العالمین است. و از هم‌نشینی «قنوت» با «ایمان» به دست می‌آید که منظور از «قنوت»

فرمان برداری و اطاعت عملی و نظری (چون در معنای آن خضوع و خشوع نهفته است) و منظور از «ایمان» فرمان برداری نظری و قلبی است. خدای متعال می فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَائِلِينَ وَالْقَائِلَاتِ...؛ همانا کلیه مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان اهل طاعت...» (احزاب، ۳۵). خدا آنچه را در این آیه به مردم امر و نهی کرده ده مرتبه است؛ اول اسلام و تسلیم در برابر فرمان خدا است و دوم ایمان به آنچه خدا دستور داده است بنابراین آنچه را خدا امر فرموده و مکلف آن را اقرار می کند این اسلام است و در مرتبه بعد اگر خدا چیزی گفت و او پذیرفت و کلام الهی را تصدیق کرد اعتقاد او درست است و این ایمان است؛ سپس اگر اعتقادش او را به کار نیک و عمل صالح دعوت کرد این انسان به مرتبه قنوت و اطاعت و عبادت رسیده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۵، ص ۱۶۸).

علامه طباطبایی ذیل آیه ۵ سوره تحریم در مورد «قنوت» می نویسد: آیه مذکور در مورد همسران پیامبر ﷺ است و اینکه کرامت در نزد خداوند به این نیست که شما به زوجیت رسول خدا ﷺ مشرف شده اید، بلکه ملاک فضیلت، در قنوت و توبه یا فقط در قنوت است زیرا قنوت به معنی لزوم طاعت و خضوع است که در آنان نبود، بلکه آنها خدا را معصیت، و رسول خدا را اذیت نموده و توبه هم نمی کردند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۵۵۸).

طبری در ادامه این آیه بیان می کند که مسلمات زنانی هستند که با اطاعت خود در برابر خدا خاضع هستند و مومنات زنانی که خدا و رسولش را تصدیق می کنند و منظور از قانتات زنان مطیع در برابر خدای سبحان است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۸، ص ۱۰۶).

واژه ایمان یکی از مفاهیم مهم و پر کاربرد در قرآن کریم و صفت بارز کسانی است که بعد از اسلام ظاهری به باور قلبی رسیده و آن را تصدیق کرده اند. این واژه در مقابل کفر قرار دارد. میان این واژه و قنوت ارتباط وجود دارد در نتیجه این دو واژه در یک حوزه معنایی قرار دارند و تکمیل کننده معنای یکدیگرند و به همین علت، هم نشین یکدیگر قرار گرفته اند. در آیات فوق بعد از مسلمات و مؤمنات، صفت قانتات را ذکر شده است؛ از هم نشینی این واژهها استفاده می شود وقتی انسان به صفت قنوت متصف

می‌شود که ابتدا به تسلیم ظاهری و سپس به تصدیق و باور قلبی برسد در این صورت است که انسانی قانت و مطیع در برابر فرامین الهی می‌شود.

۲-۲. واژه‌های جانشین واژه «قنوت»

به اعتقاد معناشناسان «رابطه میان واژه‌ها در آیات دوگونه است: رابطه افقی، رابطه عمودی. اگر نسبت کلمات را در محور عمودی بنگریم معنا یا معانی دیگری از راه جانشینی برای کلمه به دست می‌آید» (شریفی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۱۹۹). رابطه جانشینی با مطالعه واژه‌هایی مشخص می‌گردد که بتوانند جایگزین همدیگر شوند. واژه‌های مترادف، بهترین نتیجه را در روابط جانشین یک واژه با دیگر واژه‌های زبان به دست می‌دهند (ایزوتسو، ۱۳۸۱، ص ۱۹۶).

جانشین‌های قنوت الفاظی هستند که تشابه نسبی معنایی با این واژه دارند، هر کدام اشاره به لایه‌ای از معنای آن داشته و در سیاقی آمده‌اند که قنوت نیز در همان سیاق آمده است. در قرآن کریم با بررسی برخی واژه‌ها که بر محور جانشینی با واژه «قنوت» هستند، ارزش معنایی «قنوت» و جایگاه آن آشکارتر می‌شود. اینک به مهمترین آنها در ادامه اشاره خواهد شد:

۲-۲-۱. رابطه قنوت و تسلیم

واژه «تسلیم» از ماده «سَلَمَ» به معنای انقیاد و فرمان‌برداری در برابر فرامین الهی (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۲۶۶) «أَسْلَمْتُ وَجْهِي لِلَّهِ» یعنی خالص کردم عبادتم را برای خدا (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۸۶) در این آیه می‌فرماید: «آیا تسلیم خدا هستید و اینکه اسلام را متعلق بر کلمه وجه کرده به دلیل اینکه وقتی چهره تسلیم خدا شود در حقیقت همه بدن تسلیم شده است؛ علاوه بر اینکه تسلیم شدن چهره دلالت بر اقبال و خضوع در برابر امر الهی دارد» (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۱۲۱).

ماده «تسلیم» علاوه بر رابطه معنایی، بر اساس تشابه، بخشی از ویژگی‌های «قنوت» در قلمرو تشریح را نیز آشکار می‌سازد؛ زیرا همچنان که «قنوت» در فرهنگ قرآن به

ویژه در برابر خداوند کاربرد دارد، «تسلیم» نیز در نظام توحیدی فقط در برابر خداوند لازم و پسندیده است: «وَأْمُرْنَا لِتُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ»؛ (انعام، ۷۱) همچنین تسلیم در برابر غیر خدا که به اذن الهی نباشد، مایه خسران بوده و از انسان پذیرفته نمی‌شود: «وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْأَسْلَمِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آل عمران، ۸۵).

از نگاه برخی اندیشمندان، مقدم شدن واژه «اسلام» بر «ایمان» در آیه «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَنَاتِ وَالْقَنَاتِ...» (احزاب، ۳۵) دلالت بر اهمیت اسلام دارد چون ایمان بدون اسلام و انقیاد فایده‌ای ندارد (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۰۳). بنابراین ابتدا باید اسلام آورد و در برابر حق تسلیم شد سپس آن را وارد قلب نمود؛ در آن زمان است که انسان در برابر دستورهای الهی خاضع شده و آن را اطاعت نموده، اقدام به عمل صالح می‌کند. تسلیم دارای مراتبی است که شامل تسلیم تن، تسلیم عقل، تسلیم قلب است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۰۴). در تحقق اسلام باور قلبی ملاک نیست؛ اسلام به معنای تسلیم شدن و گردن نهادن است؛ تسلیم شدن زبان به این است که شهادتین را اقرار کند و تسلیم شدن سایر اعضا به این معنا است که به دستورات خدا در ظاهر عمل کند چه اینکه باور قلبی داشته باشد یا نداشته باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۳۲۸). از آیه ۹ سورة زمر «أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ...» استفاده می‌شود که انسان قبل از ایمان و تسلیم فردی ناقص است و خیر و رشدی در او نیست و تنها با ایمان و توحید به رشد و کمال می‌رسد (جزایری، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۴۷۲). ایشان قنوت را در این آیه به معنای ایمان و تسلیم و اطاعت از اوامر و نواهی الهی در برابر خداوند معنا کرده‌اند در نتیجه چنین کسی در دل شب به قیام برخاسته و در حالی که ترس از آخرت دارد به سجده که زیباترین شکل تسلیم در برابر خداوند است می‌پردازد (جزایری، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۴۷۲).

با توجه به آیه مذکور از مؤلفه‌های اساسی قنوت دو عنصر مهم سجود و قیام در راه خدا است که نشان‌دهنده حدّ اعلای اطاعت توأم با خضوع و قیام مستمر به درگاه الهی در همه اوقات به خصوص در ساعاتی از شب می‌باشد و این امر در صورتی است که انسان با تمام مراتب تسلیم دستورهای الهی باشد.

۲-۲-۲. رابطه «قنوت» با «عبادت»

یکی از واژگانی در سطح جانشینی در ساحت معنایی با ماده «قنوت» در قرآن کریم به کار رفته است، ماده «عبادت» است که از ریشه «عَبَدَ» به معنای انقیاد و خضوع آمده است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲ و ۵، ص ۱۴۲) و نیز به معنای اظهار فروتنی و طاعت در برابر کسی است که از نهایت فضل و کمال برخوردار است و او خدای متعال است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۴۲). خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا؛ در آسمان‌ها و زمین هیچ کس نیست جز آنکه با بندگی به سوی خدا می‌آید» (مریم، ۹۳). فخر رازی می‌نویسد: عبد کسی است که به ربوبیت الهی پناه می‌برد و مطیع و خاشع در برابر او و تنها به پروردگارش امید دارد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۱، ص ۵۶۷). از عبارت «إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ» استفاده می‌شود که مراد ذوی العقول هستند چون اگر غیر ذوی العقول را شامل می‌شد باید می‌فرمود: «ما فی السماوات» همچنین کلمه «الارض» دلالت دارد بر اینکه مراد جن و انس هستند و واژه «عبدا» به معنای خضوع و خشوع و تحت فرمان الهی می‌باشد (طیب، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۴۹۲؛ مراغی، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۸۷).

در آیه «أَمَّنْ هُوَ قَائِمٌ أَنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا...» (زمر، ۹) (آیا چنین کسی با ارزش است) یا کسی که در ساعات شب به عبادت مشغول است و در حال سجده و قیام می‌باشد...» واژه سجده با قنوت هم‌نشین است. در آیاتی از قرآن کریم واژه سجده هم‌نشین عبادت به کار رفته است مانند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید رکوع کنید و سجده نمایید و پروردگارتان را عبادت کنید و نیکی نمایید تا شاید رستگار شوید» (حج، ۷۷).

مراد خدا از عبارت «ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا» نماز می‌باشد چون اشرف ارکان نماز رکوع و سجود است و امر به «اعْبُدُوا رَبَّكُمْ» رکوع و سجود و سایر طاعات می‌باشد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳، ص ۲۵۴). سید بن قطب می‌نویسد در آیه به کسانی که ایمان آوردند امر شده به رکوع و سجود که اینها دو رکن در نماز هستند و امر به عبادت شامل نماز و تمام فرائض می‌باشد. هر عملی که به وسیله آن انسان به سوی خدا روی آورد (سید بن قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۲۴۴۵).

عبادت بردو قسم تکوینی و تشریحی است؛ عبادت تکوینی یا غیر اختیاری شامل همه موجودات اعم از انسان و حیوان و نبات می‌گردد، و غالباً به صورت عبارات اخباری در قرآن کریم آمده است «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (حمد، ۴).

عبادت تشریحی یا اختیاری ویژه موجودات دارای عقل و شعور (دارای نطق) می‌باشد تقریباً تمام آیاتی که در آنها امر به عبادت گردیده است متوجه این دسته از موجودات می‌باشد. «... أَعْبُدُوا رَبَّكُمْ...» (بقره، ۲۱) (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۵۸۱) چنانکه «قانت» در آیه «أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا» به معنای ملازمت با عبادت همراه با خضوع می‌باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۳۷۰).

هرچند «قنوت» و «عبادت» در معنای انقیاد و فرمانبرداری اشتراک معنایی دارند، اما از جایگاه و ارزش معنایی متفاوتی برخوردار هستند؛ به دلیل اینکه عبادت، عملی است که با اعتقاد به الوهیت معبود و مالکیت او نسبت به عابد همراه باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۵۰۴). از این رو عبادت مستلزم شناخت معبود است و برای غیر خداوند شرک شمرده می‌شود (عسکری، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۲۱۵). اما با بررسی در آیات مربوط به «قنوت» به دست می‌آید که قنوت به معنای اطاعت در برابر دستورهایی است که از ناحیه خداوند صادر می‌شود و فرمانبری و اطاعت از غیر او در صورتی جایز است که به اذن الهی باشد.

مطلب دیگر اینکه قنوت و فرمانبرداری در برابر خداوند و یا هر کس که اذن الهی در آن وجود دارد به مراتب دشوارتر از عبادت کردن است. انسان‌های زیادی اهل عبادت و تهجد هستند اما اهل فرمانبرداری و اطاعت به درگاه الهی نیستند همانند شیطان که شش هزار سال خدا را عبادت کرد اما از فرمان او اطاعت نکرد لذا ارزش عبادت به آن است که مقرون به اطاعت باشد (جوادی آملی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۲۱).

واژه عبادت با قنوت دارای قرابت معنایی می‌باشد و به عنوان جانشین قنوت انتخاب می‌شود با نگاه کلی به سیاق آیات مربوط به قنوت و عبادت استفاده می‌شود که آیاتی که این دو واژه هم نشین سجده شده‌اند همگی سیاق اطاعت و فرمانبرداری به درگاه الهی دارند.

۲-۲-۳. رابطه «قنوت» با «اطاعت»

یکی از جانشین‌های «قنوت» در قرآن کریم واژه «اطاعت» می‌باشد. «اطاعت» از ریشه «طوع» به معنای اصلی رام‌بودن و انقیاد (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۴۳۱) گرفته شده است. اهل لغت آن را به معنای نقیض کراهت (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۱۰۰) موافقت و انقیاد و رغبت (ابن درید، ۱۹۸۸م، ج ۲، ص ۴۷۰) دانسته‌اند. «اطاعت» اجرای فرمان دیگری است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۱۰۰) پس بدون امر دیگری تحقق نمی‌پذیرد (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲ و ۵، ص ۳۸۰).

«طاعت» مانند «قنوت»، به دو قسم تکوینی که همان اطاعت از فرمان الهی است «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَأَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ؛ (اعراف، ۵۸) بلد طیب به اذن خدا گیاه خود را می‌رویانند.» و تشریحی که عبارت از فرمان‌بری ارادی از حکم و قانونی است که از ناحیه شخص برخوردار از حق تشریح و آمریت، اعتبار شده باشد» «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ الْكَافِرِينَ؛ بگو خدا و پیامبر [او] را اطاعت کنید پس اگر رویگردان شدند قطعاً خداوند کافران را دوست ندارد (آل عمران، ۳۲).» تقسیم می‌شود. «قنوت» به معنای «طاعت» همان جامع بین تکوین و تشریح است، نه آنکه همه‌جا به معنای طاعت تشریحی باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۳۱۵) عن ابی سعید الخدری عن رسول الله ﷺ قال: «كل حرف في القرآن يذكر فيه القنوت فهو الطاعة» (سیوطی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۲۶۹).

در آیت‌های از قرآن کریم واژه «تسلیم» هم‌نشین «قنوت» به کار رفته است مانند: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ... أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا؛ همانا کلیه مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان اهل طاعت... بر همه آنها خدا مغفرت و پاداشی بزرگ مهیا ساخته است» (احزاب، ۳۵).

اما در آیت‌های از قرآن کریم واژه «تسلیم» هم‌نشین «اطاعت» به کار رفته است مانند: «أَفَعَيِّرْ دِينَ اللَّهِ يَتَعَوَّنَ لَهُ أَنْ يَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ؛ آیا جز دین خدا را می‌جویند با آنکه هر که در آسمان‌ها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است و به سوی او بازگردانیده می‌شوید» (آل عمران، ۸۳). دو آیه فوق

واژه تسلیم با اطاعت و قنوت همنشین شده و واژه اطاعت با قنوت قرابت معنایی زیادی دارد و به عنوان جانشین قنوت انتخاب می‌شود.

یکی دیگر از هم‌نشین‌های «قنوت» «الله و رسول» است؛ از طرفی واژه «اطاعت» هم در قرآن کریم در ۷۱ مورد همنشین با «الله» و ۲۸ مورد در هم‌نشینی با «رسول» به کار رفته است. از هم‌نشینی اطاعت با الله و رسول استفاده می‌شود که اطاعت از رسول باید در طول اطاعت از الله و با اذن الهی باشد. «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ...؛ (نسا، ۶۴) و ما هیچ رسولی را نفرستادیم مگر برای آنکه مردم، او را به خاطر اینکه از طرف ماست اطاعت کنند...».

در مفهوم «قنوت» دوام هم اشراب شده است، در نتیجه معنای ضمنی «كُلُّ لَهٗ قَائِتُونَ» خضوع مقطعی نیست بلکه مراد اطاعت و خضوع مستمر است؛ از این رو اگر موجودی گاهی خدا را عبادت و برای او خضوع کند نسبت به خداوند قانت نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۳۰۲). در نتیجه منظور از قانت بودن موجودات این است که هیچ موجودی در هیچ زمانی از فرمان الهی سرپیچی ندارد و این مطلب دلالت دارد بر اینکه همه موجودات از آغاز پیدایش تا انتها قانت هستند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۳۰۲).

۲-۲-۴. رابطه «قنوت» با «علم»

جوادی آملی ذیل آیه ۹ سوره زمر در مورد یکسان‌بودن عالم و غیرعالم عقیده دارد کسی که شبانه‌روز با سجده و قیام در پیشگاه الهی، خضوع و تضرع نکند و میان ترس از عاقبت خود و امید به رحمت الهی زندگی نکند عامیانه روزگار را سپری نموده، و عوامانه می‌میرد. در صورتی که اهل علم با اینان تفاوت دارند؛ بنابراین علم زمانی ارزش دارد که بر طاعت همیشگی از خداوند استوار باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۱، ص ۴۸۰).

مقصود از «کسانی که می‌دانند» در این آیه، عالمان دینی هستند که به علم خود عمل می‌کنند، گویا کسانی که به علم خود عمل نمی‌کنند عالم نیستند و یا معنا این است که قنوت کنندگان با غیر قنوت کنندگان برابر نیستند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۴۵۰).

فخر رازی معتقد است که در این آیه اسرار عجیبی است؛ چون آیه با ذکر عمل

آغاز شده و به ذکر علم ختم می‌گردد. منظور از عمل در آیه قنوت، سجود و قیام است و اما در مورد علم خداوند می‌فرماید: «... هل يستوى الذين يعلمون و الذين لا يعلمون..» دلالت دارد بر این مطلب که کمال انسان محصور در دو مقصود است، ابتدای آن عمل است و در نهایت به علم و مکاشفه ختم می‌شود (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۶، ص ۴۲۸). پس «الذین يعلمون» کسانی هستند که صفت آنان قنوت در دل شب است در حال سجود و قیام، و «الذین لا يعلمون» کسانی هستند که هنگام بلا موحد، و در هنگام راحتی، مشرک هستند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۶، ص ۴۲۹).

علم در این آیه به معنای معرفت و شناخت خاصی است که در پی آن انسان را به «قنوت»، یعنی اطاعت پروردگار همراه با خضوع و خشوع و ترس از آخرت و امید به رحمت الهی دعوت می‌کند. به طور کلی بین قنوت و علم رابطه نزدیکی وجود دارد. به گونه‌ای که هر چه معرفت انسان نسبت به خداوند بیشتر باشد اطاعت و خضوع او بیشتر می‌شود.

۲-۲-۵. رابطه «قنوت» با «خضوع» و «خشوع»

«خضوع» در لغت، از ریشه «خضع» به معنای فروتنی کردن، و در اصل به معنای تواضع همراه با تسلیم است (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۳، ص ۸۶). همچنین به معنی کرنش، فرمانبرداری، شکسته نفسی آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۱۳). راغب درباره معنای اصطلاحی این واژه می‌نویسد: خضوع همان خشوع به معنی فروافتادگی و نرمی است و «رجل خضعه» به معنی مرد بسیار فروافتاده و فروتن است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۸۶). برخی از فرهنگ‌نویسان اعتقاد دارند که خضوع همان خشوع است با این تفاوت که خضوع در بدن و خشوع در چشم و صورت است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۱۲).

در آیه ۲۸ سوره فاطر، مراد از «خشیت»، خوفی است که با تعظیم و بزرگداشت چیزی همراه باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۸۳). «خشیت» به این معنا تنها در عالمان یافت می‌شود کسانی که خدای سبحان را به اسماء و صفات و افعالش می‌شناسند و هر

اندازه این شناخت عمیق‌تر و خالص‌تر باشد به دنبال آن خشوع باطنی و خضوع در ظاهر اعمال عبادی و رفتار انسان پیدا می‌شود» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۵۹).

حاصل آنکه از نظر قرآن «خشوع»، شامل فروتنی ظاهری و باطنی است. در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام نیز «خشوع»، در فروتنی باطنی و توجه کامل قلبی به خداوند عزوجل تفسیر شده است، چنان‌که از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل است که در تفسیر خشوع می‌فرماید: «التَّوَّاضُّعُ فِي الصَّلَاةِ، وَ أَنْ يَقْبَلَ الْعَبْدُ بِقَلْبِهِ كُلَّهُ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ خشوع، یعنی تواضع داشتن در نماز و این‌که بنده با تمام دل و وجود به پروردگارش عزوجل روی آورد» (مجلسی، بی‌تا، ج ۸۴، ص ۲۶۶).

«خشوع» در عرفان به معنای تواضع در برابر خدا به قلب و جوارح است (جرجانی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۱۰۱). آنان متفق هستند که جایگاه «خشوع» در قلب و ثمره آن بر اعضا و جوارح ظاهر می‌شود؛ بنابراین «قنوت» و اطاعت قلبی نسبت به خدای سبحان، زمانی محقق می‌شود که توأم با «خضوع» و «خشوع» باشد.

۲-۲-۶. رابطه قنوت و رکوع

واژه دیگری که در سطح جانشینی با «قنوت» رابطه معنایی دارد عبارت است از «رکوع»، که به اختصار به آن اشاره می‌شود. در تفسیر آیه ۴۷ سورهٔ مرسلات «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ» (مرسلات، ۴۸) «رکوع» به اطاعت و خشوع و تواضع در برابر خداوند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۵، ص ۱۹۷). یا به معنای نماز خواندن تفسیر شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۶۳۶). «رکوع» در حقیقت تصویری خاص از انقیاد و اطاعت‌پذیری را به نمایش می‌گذارد که نشانهٔ خضوع و تسلیم همراه با خشوع و معنویت بنده در برابر مولا (خداوند) است. خداوند در آیه سی و چهار سوره آل عمران می‌فرماید: «يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ»؛ (آل عمران، ۳۴) مراد از قنوت در آیه، اطاعت الهی و منظور از رکوع، خشوع و اخبات است (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۱۶؛ کاشانی، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۴۸۳).

به نظر برخی، قنوت به معنای طاعت و عبادت و رکوع به معنای خشوع می‌باشد

(سیدقطب، ۱۴۲۵ق، ج ۵ و ۲ ص ۳۵). علامه طباطبایی درباره این آیه می‌فرماید: «فعل امر «اقتتی» به معنای ملازم‌بودن طاعت توأم با خشوع است و رکوع مطلق اظهار ذلت می‌باشد» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۸۹).

با تامل در آیه قبل که خداوند به حضرت مریم عَلَيْهَا السَّلَامُ مقام اصطفاء عنایت فرمود و او را از ظاهریین قرار داده است و این آیه که در آن به ایشان امر به شکر در اعطای آن مقام می‌شود نشان می‌دهد که این شکر به کاملترین شکل ممکن یعنی قنوت و فرمانبرداری در برابر خداوند سبحان است که رکوع و سجود حد اعلای خضوع، خشوع و اظهار ذلت در برابر خالق یکتاست.

۲-۷. رابطه قنوت و سجده

یکی از کلماتی که با قنوت رابطه معنایی دارد واژه «سجود» از ریشه «سَجَد» است؛ اصل آن به معنای آرامش و فروتنی و اطاعت است که عبارت است از فروتنی و عبادت خداوند و پرستش او؛ «سجود» واژه عام و فراگیری در انسان، حیوان و جماد است و بر دو نوع است: سجود با اختیار که مختص موجود مختار است و به وسیله آن استحقاق ثواب و پاداش دارد. «فَاسْجُدْ لِلَّهِ وَاعْبُدْهُ»؛ (نجم، ۶۲) و دیگر سجود قهری و طبیعی، که هم برای انسان، هم برای غیر انسان است «وَاللَّهُ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (رعد، ۱۵) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۹۶). علامه طباطبایی در ادامه آیه ۱۸ سوره حج می‌نویسد: مراد از سجده آسمان‌ها و زمین و آنچه در آنهاست سجده تکوینی می‌باشد و سجده در اینجا به معنای خضوع و تذلل است و عبارت «... و کثیر من الناس..» که عطف به «... من فی السماوات و الارض..» است یعنی تمام موجودات در برابر خداوند خاضع هستند و تنها بشر است که بسیاری از آنان در مقام عبودیت برخاسته، خضوع و عبودیت ذاتی خود را اظهار می‌دارند و بعضی از ایشان از این اظهار استکفاف می‌ورزند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۳۵۹). هر چند فخر رازی سجده آسمان‌ها و زمین را به معنای انقیاد و سجده دوم (سجده ناس) را به معنای طاعت و عبادت در نظر گرفته است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳، ص ۲۱۴).

۲-۲-۸. رابطه قنوت و صلاة

اهل لغت برای واژه «صلاة» و مشتقات آن معانی متعددی ذکر کرده‌اند. گروهی معنای «دعا و طلب خیر کردن» را برای این واژه بیان نموده‌اند، مانند: «الصلاة وهی الدعاء» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۰۰). به عقیده برخی این واژه به معنای «دعا و طلب استغفار» است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۴۶۴). مانند: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ» (نور، ۴۱).

از دیگر معانی این واژه، مفهوم «تمجید و حسن ثناء» است. بدین معنا که هرگاه واژه «صلاة» در ارتباط با خدا و نسبت به پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به کار رفته باشد، بر تمجید و حسن ثناء خداوند نسبت به ایشان دلالت دارد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۱۵۴). «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ...» (احزاب، ۵۶).

گاهی نیز این واژه درود خداوند نسبت به انسان‌های شکیبا و بردبار است که در این صورت بر معنای «رحمت» دلالت می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۰۰). از دیگر مفاهیم ذکر شده عبارت است از نماز و عبادتی که در شرع آمده، و در آن رکوع و سجود است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۳۰۰).

مانند آیاتی که واژه صلاة و مشتقات آن در مفهوم «اطاعت و پیروی از دستورات» به کار رفته است، مثل: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى * وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى» (اعلی، ۴۱ و ۴۲). و آیاتی که واژه صلاة و مشتقات آن در مفهوم عبادت مخصوص «نماز» به کار رفته است، مانند: «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوَسْطَى وَ قَوْمُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ» (بقره، ۲۳۸).

بررسی این شواهد نشان می‌دهد که معنای جامع «صلاة»، انعطاف و توجه است که بنا به اختلاف نسبت، متفاوت می‌شود؛ بنابراین نسبت «صلاة» به بنده در مفهوم دعا، طلب میل و توجه است و این نسبت در خصوص خداوند، رحمت، توجه و توفیق در عبادت و عصمت از هر بدی است و از جانب فرشتگان، طلب آمرزش برای انسان‌ها است.

در آیه ۲۳۸ سوره بقره «...و قوموا لله قانتین» از ابن عباس نقل شده است که قنوت دعا و ذکر است به دلیل قول خداوند که فرموده «حافظوا علی الصلوات»، امر کرده به آنچه که در نماز از افعال است پس واجب است که قنوت حمل شود بر کل آنچه در

نماز از ذکر است (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۴۸۸). قنوت در آیه یعنی روی آوردن به نماز و محافظت آن تا چیزی انسان را از نماز مشغول نسازد (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۴۹۸؛ طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۲۷۶). اصل قنوت دوام بر امر واحد و طاعت است چون کسی که مداومت بر اطاعت از خداوند داشته باشد قانت است. و مداومت در نماز بر سکوت می باشد مگر اینکه از کار مشروع باشد (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۶۸).

تفسیر کاشف در رابطه با این فراز از آیه می گوید: «... و قوموا لله قانتین» یعنی در نماز با کمال خشوع و فروتنی خدا را بخوانید؛ هیبت و عظمت او را به خاطر آورید (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۳۶۷؛ مراغی، بی تا، ج ۲، ص ۲۰۱).

نتیجه گیری

معناشناسی در حوزه مطالعات قرآنی نقش مهمی داشته است. در معناشناسی روابط معنایی بین مفاهیم مختلف را شناسایی، و شبکه ای از معانی مرتبط را استخراج می نماید. در معناشناسی توصیفی، یک واژه با توجه به خود متن بررسی می شود و معنای یک واژه را می توان بر اساس محیط وقوع آن در یک بافت زبانی تعیین کرد. واژه قنوت از ریشه قنت می باشد که مشتقات مختلف آن ۱۳ بار در قرآن کریم در ساخت های متفاوت استعمال شده است و از کلماتی است که دارای اختلاف مفهومی میان عامه مردم و اصطلاح قرآنی است. برای این واژه معانی متعددی مانند اطاعت، خضوع، خشوع، عبادت، نماز، دعا، قیام، تذلل و سکوت ذکر شده است. میدان معنایی «قنوت» بر محور هم نشینی، عبارت اند از: هم نشینی «قنوت» با «الله» و «رسول» بر اساس دوام پیروی کردن است، هم نشینی «قنوت» با «حفظ» بر تحفظ شرایط دلالت دارد، هم نشینی «قنوت» با «ایمان» نیز به باور قلبی اشاره دارد.

واژه های جانشین «قنوت» عبارتند از: تسلیم، اطاعت، خضوع، خشوع، رابطه این واژه ها با قنوت در رکن بودن آنها برای قنوت است چرا که قنوت بدون آنها امکان تحقق ندارد. علاوه بر این موارد، عبادت، حفظ، رکوع، سجود، صلاة از دیگر جانشینان واژه قنوت می باشند.

ماده «تسلیم» علاوه بر رابطه معنایی، بر اساس تشابه، بخشی از ویژگی‌های «قنوت» در قلمرو تشریح را نیز آشکار می‌سازد؛ زیرا همچنان که «قنوت» در فرهنگ قرآن به ویژه در برابر خداوند کاربرد دارد، «تسلیم» نیز در نظام توحیدی فقط در برابر خداوند لازم و پسندیده است.

«قنوت» و «عبادت» در معنای انقیاد و فرمانبرداری اشتراک معنایی دارند، اما از جایگاه و ارزش معنایی متفاوتی برخوردار هستند؛ به دلیل اینکه عبادت، عملی است که با اعتقاد به الوهیت معبود و مالکیت او نسبت به عابد همراه باشد؛ از این رو عبادت مستلزم شناخت معبود است و برای غیر خداوند شرک شمرده می‌شود. اما قنوت به معنای اطاعت در برابر دستورهای است که از ناحیه خداوند صادر می‌شود و فرمانبری و اطاعت از غیر او در صورتی جایز است که به اذن الهی باشد.

«قنوت» به معنای «طاعت» همان جامع بین تکوین و تشریح است، نه آنکه همه‌جا به معنای طاعت تشریحی باشد. «قنوت» و اطاعت قلبی نسبت به خدای سبحان، زمانی محقق می‌شود که توأم با «خضوع» و «خشوع» باشد.

رکوع در سطح جانشینی با «قنوت» رابطه معنایی دارد. «رکوع» در حقیقت تصویری خاص از انقیاد و اطاعت‌پذیری را به نمایش می‌گذارد که نشانه خضوع و تسلیم همراه با خشوع و معنویت بنده در برابر مولا (خداوند) است.

حاصل اینکه بررسی پیوندهای معنایی قنوت با سایر واژه‌های هم‌حوزه بر محور جانشینی و هم‌نشینی حاکی از پیوند معنایی عمیق قنوت، با سایر واژه‌های هم‌حوزه است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. آلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم (ج ۱۵، چاپ اول). بیروت. دارالکتب العلمیه.
۲. ابن درید، محمد بن حسن. (۱۹۸۸م). جمهرة اللغة (ج ۲، چاپ اول). بیروت: دارالعلم للملایین.
۳. ابن سیده، علی بن اسماعیل. (۱۴۲۱ق). المحکم والمحیط الاعظم (ج ۶، چاپ اول). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. ابن عاشور، محمد بن طاهر. (بی تا). التحریر و التئیر (ج ۱ و ۲۱، چاپ اول). بیروت: مؤسسه التاریخ.
۵. ابن فارس، احمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). معجم قایس اللغة (ج ۲، ۳ و ۵، چاپ اول). قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم (چاپ اول). بیروت: انتشارات دارالکتب العلمیه.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرّم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج ۲، ۵، ۷، ۸ و ۹، چاپ سوم). بیروت: دارصادر.
۸. احمدی، بابک. (۱۳۸۰). از نشانه‌های تصویری تا متن (چاپ هشتم). تهران: نشر مرکز.
۹. ایزوتسو، توشیهیکو. (۱۳۸۱). خدا و انسان در قرآن (مترجم: احمد آرام، چاپ پنجم). تهران: انتشار.
۱۰. بحرانی، هاشم بن سلیمان. (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن (ج ۱، چاپ اول). تهران: بنیاد بعثت.

۱۱. بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل (ج ۴، چاپ اول). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۲. جرجانی، علی بن محمد. (۱۳۷۰). التعریبات (ج ۱، چاپ اول). تهران: ناصر خسرو.
۱۳. جزایری، ابوبکر جابر. (۱۴۱۶ق). ایسر التفاسیر لکلام العلی الکبیر (چاپ اول). بیروت: مکتبه العلوم و الحکم.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). تفسیر تسنیم (ج ۶ و ۱۱، چاپ هشتم). کتابخانه دیجیتال اسراء.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله. (۱۴۱۴ق). اسرار الصلوة (چاپ اول). قم: جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه.
۱۶. حسینی زبیدی، مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس (ج ۱۳، مترجم: علی شیری، چاپ اول). بیروت: دارالفکر.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن (چاپ اول). بیروت: دارالقلم.
۱۸. سیوطی، عبدالرحمن ابن ابی بکر. (۱۴۱۴ق). الدر المنثور فی تفسیر الماثور (ج ۱، چاپ اول). قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۱۹. شریفی اشکوری، الیاس. (۱۳۸۱). فقرات فقهیه (ج ۱، چاپ اول). قم: انتشارات آل بویه.
۲۰. شریفی، علی. (۱۳۹۴). معنانشناسی قرآن در اندیشه شرق‌شناسان با تاکید بر ایزوتسو (چاپ اول). قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
۲۱. صفوی، کوروش. (۱۳۸۷). درآمدی بر معنی‌شناسی (چاپ سوم). تهران: سوره مهر.
۲۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۲، ۳، ۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۱۹، چاپ پنجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۷). تفسیر جوامع الجامع (ج ۳، چاپ اول). تهران: انتشارات دانشگاه تهران و قم: انتشارات مدیریت حوزه علمیه قم.

۲۴. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۱۰، چاپ سوم). تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۵. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: انتشارات دارالمعرفه.
۲۶. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). مجمع البحرین (ج ۶، چاپ سوم). تهران: مرتضوی.
۲۷. طبیب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن (ج ۸، چاپ دوم). تهران: انتشارات اسلام.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن (ج ۲، چاپ اول). بیروت: داراحیا التراث العربی.
۲۹. عسکری، حسن بن عبدالله. (۱۴۰۰ق). الفروق فی اللغة (ج ۱، چاپ اول). بیروت: دارالافتاء الجدیده.
۳۰. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب (ج ۶، ۲۱، ۲۳، ۲۵ و ۲۶، چاپ سوم). بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۳۱. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ق). کتاب العین (ج ۱، ۲ و ۷، چاپ دوم). قم: نشر هجرت.
۳۲. فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح ال کبیر للرافعی (ج ۲ و ۵، چاپ دوم). قم: مؤسسه دارالهجره.
۳۳. فیض کاشانی، ملامحسن. (۱۴۱۵ق). الصافی (ج ۱، چاپ دوم). تهران: انتشارات الصدر.
۳۴. قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن (ج ۱ و ۳، چاپ ششم). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۵. قطب، سید. (۱۴۲۵ق). فی ظلال القرآن (ج ۲، ۴ و ۵، چاپ ۳۵). بیروت: دارالشروق.
۳۶. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (بی تا). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (محققان: محمدباقر محمودی و عبدالزهراء علوی). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۷. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۳). اخلاق در قرآن (ج ۴ و ۵). قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه.

۳۸. مصطفوی، حسن. (۱۴۳۰ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (ج ۲، ۳، ۷، ۹ و ۱۰، چاپ سوم). بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳۹. مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۴ق). تفسیر کاشف (ج ۱ و ۲، چاپ اول). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر و سایر همکاران. (۱۳۶۳). تفسیر نمونه (ج ۱۷ و ۱۹، چاپ اول). بیروت: دارالکتب الاسلامیه.
۴۱. مشکینی، علی. (۱۴۲۸ق). مصطلحات الفقه. قم: نشر الهادی.
۴۲. مراغی، احمد بن مصطفی. (بی تا). داراحیا (چاپ اول). بیروت: انتشارات التراث العربی.



References

* The Holy Quran

1. Ahmadi, B. (1380 AP). *From visual cues to text* (8th Ed.). Tehran: Nahr-e-Karzan. [In Persian]
2. Alosi, S. M. (1415 AH). *Ruh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azeem* (Vol. 15, 1st Ed.). Beirut. Darul Kotob Al-Ilmiya. [In Arabic]
3. Askari, H. (1400 AH). *Al-Furooq fi al-Lugha* (Vol. 1, 1st Ed.). Beirut: Dar al-Afaq al-Jadideh. [In Arabic]
4. Bahrani, H. (1416 AH). *Al-Burhan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 1, 1st Ed.). Tehran: Bethat Foundation. [In Arabic]
5. Beizawi, A. (1418 AH). *Anwar al-Tanzil va Asrar al-Taawil* (Vol. 4, 1st Ed.). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
6. Fakhr Razi, M. (1420 AH). *Mafatih al-Ghaib* (Vol. 6, 21, 23, 25 & 26, 3rd Ed.). Beirut: Dar Ihya. [In Arabic]
7. Farahidi, K. (1409 AH). *Kitab al-Ain* (Vol. 1, 2 & 7, 2nd Ed.). Qom: Hejrat Publications. [In Arabic]
8. Fayoumi, A. (1414 AH). *Al-Mesbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabeer le al-Rafe'ei* (Vol. 2 & 5, 2nd Ed.). Qom: Dar al-Hijrah Institute. [In Arabic]
9. Feiz Kashani, M. (1415 AH). *Al-Safi* (Vol. 1, 2nd Ed.). Tehran: Al-Sadr Publications. [In Arabic]
10. Hosseini Zubeidi, M. (1414 AH). *Taj al-Arus Man Javaher al-Qamoos* (Vol. 13, Shiri, A, Trans., 1st Ed.). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
11. Ibn Ashour, M. (n.d.). *Tahrir va al-Tanvir* (Vol. 1 & 21, 1st Ed.). Beirut: Al-Tarikh Institute.
12. Ibn Doreid, M. (1988). *Jamrah Al-Lughah* (Vol. 2, 1st Ed.). Beirut: Dar al-Ilm le al-Mala'een.
13. Ibn Faris, A. (1404 AH). *Mujam Qa'ees al-Lughah* (Vol. 2, 3 & 5, 1st Ed.). Qom: Maktab al-A'alam al-Islami. [In Arabic]
14. Ibn Kathir, E. (1419 AH). *Commentary on the Great Qur'an* (1st Ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiya Publications. [In Arabic]
15. Ibn Manzoor, M. (1414 AH). *Lisan al-Arab* (Vol. 2, 5, 7, 8, 9, 3rd Ed.). Beirut: Dar Sader.
16. Ibn Seyedah, A. (1421 AH). *Al-Mohkam va Al-Muhit al-Azam* (Vol. 6, 1st Ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiya. [In Arabic]

17. Izutsu, T. (1381 AP). *God and Man in the Qur'an* (Aram, A, Trans., 5th Ed.). Tehran: Enteshar. [In Persian]
18. Javadi Amoli, A. (1388 AP). *Tafsir Tasnim* (Vol. 6 & 11, 8th Ed.). Isra Digital Library. [In Persian]
19. Javadi Amoli, A. (1414 AH). *Asrar al-Salawa* (1st Ed.). Qom: Jama'ah al-Mudaresin fi Al-Hawza Al-Ilmiya. [In Arabic]
20. Jazayeri, A. (1416 AH). *Aysar al-Tafaseer le Kalam al-Ali al-Kabeer* (1st Ed.). Beirut: Maktabah al-Ulum va Al-Hakam. [In Arabic]
21. Jurjani, A. (1370 AP). *Ta'aribat* (Vol. 1, 1st Ed.). Tehran: Nasser Khosro. [In Persian]
22. Majlesi, M. B. (n.d.). *Bihar al-Anwar al-Jamaa le Dorar Akhbar al-Imam al-Athar* (Mahmoudi, M. B., & Alavi, A, Ed.). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi.
23. Makarem Shirazi, N. et al. (1363 AP). *Tafsir Nemouneh* (Vol. 17 & 19, 1st Ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Persian]
24. Maraghi, A. (n.d.). *Dar Ihya* (1st Ed.). Beirut: Al-Turath Al-Arabi Publications.
25. Mesbah Yazdi, M. T. (1393 AP). *Ethics in the Qur'an* (Vol. 4 & 5). Qom: Imam Khomeini Educational Research Institute. [In Persian]
26. Meshkini, A. (1428 AH). *Fiqh terms*. Qom: Al-Hadi Publications. [In Arabic]
27. Mostafavi, H. (1430 AH). *Fi Kalamat al-Qur'an al-Karim* (Vol. 2, 3, 7, 9 & 10, 3rd Ed.). Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiya. [In Arabic]
28. Mughniyeh, M. J. (1424 AH). *Tafsir Kashif* (Vol. 1 & 2, 1st Ed.). Tehran: Dar al-Keib al-Islamiya. [In Arabic]
29. Qarashi, A. A. (1371 AP). *Qur'an Dictionary* (Vol. 1 & 3, 6th Ed.). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Persian]
30. Qutb, S. (1425 AH). *Fi Zilal al-Qur'an* (Vol. 2, 4 & 5, 35th Ed.). Beirut: Dar al-Shorough. [In Arabic]
31. Ragheb Esfahani, H. (1412 AH). *Mufradat Alfaz al-Qur'an* (1st Ed.). Beirut: Dar al-Qalam. [In Arabic]
32. Safavi, K. (1387 AP). *An introduction to semantics* (3rd Ed.). Tehran: Surah Mehr. [In Persian]

33. Sharifi Eshkavari, E. (1381 AP). *Faqarat Feqhiya* (Vol. 1, 1st Ed.). Qom: Ale Bouyeh Publications. [In Persian]
34. Sharifi, A. (1394 AP). *Semantics of the Qur'an in the thought of Orientalists with an emphasis on Izutsu* (1st Ed.). Qom: University of Religions and Denominations. [In Persian]
35. Soyouti, A. (1414 AH). *Al-Dur Al-Mathur fi Tafsir al-Ma'athur* (Vol. 1, 1st Ed.). Qom: Ayatollah Marashi Library. [In Arabic]
36. Tabari, A. (1412 AH). *Jami al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Marafa Publications. [In Arabic]
37. Tabarsi, F. (1372 AP). *Majma Al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 10, 3rd Ed.). Tehran: Nasser Khosro Publications. [In Persian]
38. Tabarsi, F. (1377 AP). *Tafsir of Jawami al-Jame'* (Vol. 3, 1st Ed.). Tehran: Tehran University Press and Qom: Qom Seminary Administration Publications. [In Persian]
39. Tabatabaei, S. M. H. (1417 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 2, 3, 4, 16, 17, 18 & 19, 5th Ed.). Qom: Islamic Publications Office of Qom Seminary Community of Teachers. [In Arabic]
40. Tarihi, F. (1375 AP). *Majma' Al-Bahrain* (Vol. 6, 3rd Ed.). Tehran: Mortazavi. [In Persian]
41. Tayeb, S. A. (1378 AP). *Atayeb al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 8, 2nd Ed.). Tehran: Islam Publications. [In Persian]
42. Tusi, M. (n.d.). *Al-Tebyan fi Tafsir al-Qur'an* (Vol. 2, 1st Ed.). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی